

بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی با کیفیت دوستی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر کرمانشاه

مختار عارفی

کارشناس ارشد مشاوره

دکتر شکوه نوابی نژاد

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم

دکتر باقر ثنائی

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی با کیفیت دوستی است. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان ۱۶-۱۵ ساله دبیرستانی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ می‌باشد. از میان این افراد ۲۰۰ نفر (۱۰۳ نفر پسر، ۹۷ نفر دختر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. برای سنجش سبک‌های دلبستگی از پرسشنامه سبک‌های دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰) استفاده شد و کیفیت دوستی با استفاده از پرسشنامه دوستی و عدم دوستی ریسمن و بیلنگهام (۱۹۸۹) اندازه‌گیری شد. نتایج نشان داد بین سبک دلبستگی ایمن و کیفیت دوستی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بین سبک دلبستگی نایمن اجتنابی با کیفیت دوستی رابطه منفی وجود دارد. همچنین بین سبک دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا با مؤلفه‌های دوستی ارتباط منفی به‌دست آمد.

براساس یافته‌های این پژوهش جنسیت آزمودنی‌ها نقشی در نوع سبک دلبستگی آنها ندارد. اما تفاوت معناداری در میانگین سه سبک دلبستگی (بدون توجه به جنسیت) به دست آمد که آزمون تعقیبی شفه نشان داد بیشترین سهم را سبک دلبستگی ایمن به خود اختصاص داد و سبک ناایمن اضطرابی - دوسوگرا در مرحله بعد و کمترین میانگین مربوط به سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی بود.

در میزان کیفیت دوستی دو جنس تفاوت معناداری به دست آمد که این تفاوت به نفع پسران است. همچنین سبک دلبستگی ایمن، مقدار ۸/۶٪ از واریانس کیفیت دوستی را تبیین می‌کند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، کیفیت دوستی

مقدمه

هر کودکی که به دنیا می‌آید، اولین کسی را که در بدو تولد مشاهده و لمس می‌کند مادر است. در واقع کودکان درحالی دنیای بسته و امن جنینی را وداع می‌گویند که امنیت از دست رفته را با آغوش پر مهر مادر جبران می‌کنند و این پایگاه سرشار از عاطفه پایه‌گذار نخستین روان‌بنه‌های عاطفی و طرحواره‌های ارتباطی در نوزاد است که بی‌شک متضمن امنیت روانی عاطفی کودک در چندین سال اول زندگی او است و چه بسا اثرات طولانی مدت عواطف مادری گستره زندگی فرد را دربر می‌گیرد. از این رو بی‌لطف نخواهد بود که مادران را در درک این حقیقت کمک کرد که: «به واسطه احساس عمیقی که کودک به طور طبیعی و فطری نسبت به مادر دارد، می‌تواند تأثیر شگرفی در تأمین رفاه و سلامت او داشته باشند و نیروی عظیمی بدین منظور به حساب می‌آیند، نیرویی که اگر هم مایل باشند، قادر نخواهند بود خود را رها سازند» (بالبی^(۱)، ۱۹۶۹، ص ۴۵).

دلبستگی^(۲) کودک به مادر و مکانیزم‌های رفتاری مرتبط با آن از کودک نابالغ حمایت کرده و شانس بقای او را افزایش می‌دهد. مادر برای کودک حکم تکیه‌گاهی را دارد و کودک در سایه این تکیه‌گاه امن جرات کاوش و جستجو در محیط را پیدا می‌کند.

بالبی چندین سبک دلبستگی در نوجوانی و بزرگسالی را توضیح می‌دهد: «دلبستگی مضطرب که بر الگوهای درون‌کاری ناامن استوار است و برای سازگاری روان‌شناختی مضر است. از طرف دیگر دلبستگی امن دارای اثر مثبت بر سلامت روانی نوجوان

است» (آرمسدن، بارک، فینی، گرینبرگ و راجا^(۱))، ۱۹۹۹ به نقل از ویلکنسون و والفورد^(۲)، ۲۰۰۱). آینسورث^(۳) (۱۹۷۸) بر همین اساس، موفق به ابداع موقعیتی آزمایشی برای تشخیص انواع روابط کودک و مراقب وی گشت و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را تفکیک کرد. در ادامه این روند هازان و شیور^(۴) (۱۹۸۷) موفق به ردیابی سه سبک دلبستگی در روابط بزرگسالی شدند.

بنابر نظر بالبی (۱۹۶۹) تجارب اولیه کسب‌شده توسط کودک در نظامی به نام الگوی درونکاری، درونی‌سازی می‌شود. این الگو نه تنها حکم یک مدل را برای ارتباطات اجتماعی آینده فرد دارد بلکه قوانین نانوشته‌ای برای اینکه چگونه فرد تجربه کند، ابراز وجود کند، و با عواطف پریشان خود کنار بیاید، فراهم می‌کند (کوپر، شیور، کولینگ، ۱۹۹۸). همچنین ابتدایی‌ترین پایه‌های تحول الگوهای درونکاری بر تجارب کودک در روابطش با چهره‌های دلبستگی استوار است. الگوها، انتظاری کلی از آنچه که کودک در روابطش می‌خواهد و نیز جهت‌دهی به رفتار و عواطف وی در روابط صمیمی را، برایش فراهم می‌کند.

نوجوانی به سبب تأثیرات الگوها دلبستگی بر رفتار، به موازاتی که محرک‌های تنش‌زای این دوره به فعال شدن سیستم دلبستگی منجر می‌شود، دوره‌ای برجسته تلقی می‌شود. در طی دوره نوجوانی، نیاز به رابطه صمیمی، نوجوان را علاقمند به شکل‌دهی روابط صمیمی در بیرون از دایره خانوادگی می‌کند. روابط صمیمی به عنوان فرایندهایی است که در طی آنها نوجوان به مبادله متقابل افکار و احساسات شخصی می‌پردازد. این فرایندها سبب افزایش خودیابی^(۵) و روابط گسترده در نوجوان می‌شود (فولر و گونزالس^(۶))، ۱۹۸۹).

نوجوانان با دوستی‌های صمیمی، سازگاری بهتر روان‌شناختی خود را به اثبات می‌رسانند (هارتاپ^(۷))، ۱۹۹۲) و با این روابط در رضایت‌بخشی بسر می‌برند (روتنبرگ و وتینی^(۸))، ۱۹۹۲ به نقل از مک نیلس و کونولی^(۹)، ۲۰۰۰). لیبرمن و همکاران^(۱۰)

1. Armsden, Bark, Feeney, Greenberg & Raga

2. Wilkinson & Walford

5. Ainsworth

4. Hazan & Shaver

5. self-exploration

6. Fuller & Gonzalez

7. Hartup

8. Rotenburg & Whitney

9. Mc Nelles & Connolly

10. Lieberman, et, al.

(۱۹۹۹) بیان می‌دارند الگوهای عملی درونی نوجوانان، شیوه رفتار آنان در روابط نزدیک و صمیمی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین کیفیت‌های مثبت دوستی از قبیل صمیمیت، امنیت، عدم تعارض با دلبستگی مثبت ارتباط داشتند.

تحول مفهوم دوستی مخصوصاً در دیدگاه روان‌شناسان تحولی‌نگر، موجد بسیاری از تحقیقات در این زمینه بوده است (لاگیبا^(۱)، ۱۹۷۵، به نقل از دامون^(۲)، ۱۹۸۳؛ سلمن^(۳)، ۱۹۸۱؛ فرانکل^(۴)، ۱۹۹۰، به نقل از حجازی، ۱۳۸۰). همچنین فهر به نقل از آرگیل (۱۹۸۷) می‌نویسد: بررسی‌های مشابه نشان می‌دهد دوستی‌ها یک منبع مشترک و عمومی شادمانی افراد در زندگی، سوای ازدواج و خانواده است.

مطالعات متعددی (بال^(۵)، ۱۹۸۲؛ برنت^(۶)، ۱۹۸۲؛ ادر^(۷)، ۱۹۹۰؛ فرانکل، ۱۹۹۰، به نقل از رستمی، ۱۳۸۱) نشان داده است که روابط با دیگران و حمایت اجتماعی که از طریق دوستی حاصل می‌گردد، برای سلامت روان افراد از اهمیت خاصی برخوردار است. از سوی دیگر، برخی پژوهشها (فرانکل، ۱۹۹۰؛ استوکر، ۱۹۹۴) به تأثیر کیفیت دوستی در سلامت روانی کودکان اشاره کرده‌اند (رستمی، ۱۳۸۱). در مطالعه‌ای (باربارا و دیگران، ۲۰۰۴) بیان داشته‌اند که دوستی‌ها سبب افزایش سازگاری آنها می‌شود.

باتوجه به اینکه افراد نوجوان ممکن است دارای یکی از سه نوع سبک دلبستگی باشند، هریک از این سه نوع، بر اساس الگو درون‌کاری آنان دارای ویژگی‌ها و ظرفیت‌های خاصی است که احتمالاً می‌تواند بر کیفیت دوستی تأثیر بگذارد و در پیش‌بینی کیفیت دوستی، نقش‌گذار باشد. لذا آنچه برای پژوهشگر مهم است تأثیری است که دلبستگی می‌تواند بر کیفیت دوستی در نوجوانان داشته باشد.

بیشتر پژوهشها بدون توجه به جنسیت سبک‌های دلبستگی را بررسی کرده‌اند (فینی و نولر^(۸)، ۱۹۹۰؛ یانگیلد و بلسکی^(۹)، ۱۹۹۹؛ کرنس، کلپاک و کول^(۱۰)، ۱۹۹۶؛

1. Lagaipa

2. Dumon

3. Selman

4. Frankel

5. Ball

6. Berni

7. Eder

8. Noller

9. Youngbled & Belsky

10. Kerns, Klepac & Cole

لیبرمن و مارکیویکز^(۱)، ۱۹۹۹؛ شالمن^(۲)، ۱۹۹۵؛ زیمرمن^(۳)، ۲۰۰۴). در این پژوهش قصد آن است تفاوت‌های جنسی در مورد سهم سبک‌های دلبستگی بررسی شود. اگرچه مطالعاتی از جمله آریس و جانسون^(۴) (۱۹۹۰) به نقل از لیبرمن و همکاران (۱۹۹۹)؛ ریس، سینچاک و سولومون^(۵) (۱۹۸۵) دریافتند که در مفهوم دوستی و صمیمیت دو جنس شباهت وجود دارد و در میزان تماس با دوستان صمیمی هم جنس در دختران و پسران تفاوت وجود ندارد. با این وجود در این مطالعه کیفیت دوستی در دو جنس بررسی خواهد شد.

به‌طور کلی هدف پژوهش حاضر، این است که به این سؤال‌ها جواب بدهد: آیا بین سبک دلبستگی با کیفیت دوستی نوجوانان ارتباط وجود دارد؟ آیا سبک‌های دلبستگی بر کیفیت دوستی تأثیرگذار هستند؟ چه تفاوت‌هایی در سبک‌های دلبستگی و کیفیت دوستی دختران و پسران وجود دارد؟
فرضیه‌های اصلی پژوهش:

- ۱- بین سبک‌های دلبستگی با کیفیت دوستی ارتباط وجود دارد.
- ۲- نوع سبک دلبستگی در پسران و دختران با هم متفاوت است.
- ۳- کیفیت دوستی در بین دختران و در بین پسران با هم فرق دارد.
- ۴- سبک‌های دلبستگی، کیفیت دوستی را پیش‌بینی می‌کنند.

فرضیه‌های فرعی پژوهش

- ۱- بین سبک‌های دلبستگی و کیفیت دوستی در نوجوانان پسر و دختر ارتباط وجود دارد.
- ۲- میانگین هر یک از سبک‌های دلبستگی در افراد متفاوت است.

نمونه‌گیری و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش جامعه آماری عبارت است از کلیه دانش‌آموزان (دختر و پسر) ۱۶-۱۵ ساله شهر کرمانشاه در شاخه نظری مدارس دولتی که در سال تحصیلی

1. Markiewicz

2. Shulman

3. Zimmermann

4. Aries & Johnson

5. Reis, Senchak & Solomon

۸۳-۱۳۸۲ به تحصیل مشغول بوده‌اند. با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی در میان سه ناحیه آموزش و پرورش کرمانشاه، ناحیه یک به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای در میان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه، تعداد چهار دبیرستان از دو جنس به طور تصادفی انتخاب شد و بعد از میان دانش‌آموزان سال اول و دوم ۸ کلاس (۴ کلاس پسر و ۴ کلاس دختر) تصادفی انتخاب شدند. با توجه به این که افراد بالای ۱۶ سال جزء جامعه هدف نبودند، لذا با مراجعه به فهرست مشخصات دانش‌آموزان، این افراد حذف می‌شدند. از این رو تمامی افراد کلاس با دامنه تغییر ۲۹-۲۵ نفر به پرسشنامه‌ها جواب می‌دادند. بدین ترتیب تعداد نمونه ۲۲۰ نفر شامل ۱۱۰ پسر و ۱۱۰ دختر بودند. با توجه به این که تعدادی (۱۰ پسر و ۱۳ دختر) از افراد پاسخنامه‌ها را ناقص برگرداندند، از این رو تحلیل‌های آماری بر روی پاسخنامه‌های ۲۰۰ نفر (۱۰۰ پسر، ۹۷ دختر) انجام گرفت.

ابزارهای گردآوری داده‌ها

پرسشنامه بازنگری شده مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز و رید (۱۹۹۰).

این مقیاس شامل خود-ارزیابی از مهارت‌های ایجاد ارتباط و خود-توصیفی شیوه شکل‌دهی دلبستگی‌های نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ ماده است، با علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (لیکرت) در هر ماده (که از ۰ = اصلاً ویژگی من نیست تا ۴ = کاملاً ویژگی من است)، سنجیده می‌شود. تحلیل عوامل ۳ زیر مقیاس را مشخص می‌سازد که هر کدام شامل ۶ ماده است. این زیر مقیاس‌ها عبارتند از:

- ۱) وابستگی: میزانی را که آزمودنی‌ها به دیگران اعتماد می‌کنند و به آنها متکی می‌شوند، (با توجه به اینکه در مواقع لزوم قابل دسترسی‌اند) اندازه‌گیری می‌کند.
- ۲) نزدیک بودن: میزان آسایش فرد در رابطه همراه صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه‌گیری می‌کند.

۳) اضطراب: ترس از داشتن رابطه را در ارتباط‌ها می‌سنجد.

کولینز و رید بر پایه توصیف‌هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسال هازان و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، مواد پرسشنامه خود را تدارک دیده‌اند. زیر مقیاس اضطراب (A) با دلبستگی ناایمن اضطرابی - دوسوگرا مطابقت دارد

و زیر مقیاس نزدیک بودن (C)، یک بعد دوقطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد (فینی و نولتر، ۱۹۹۶). بنابراین، نزدیک بودن (C) در تطابق با دلبستگی ایمنی‌بخش می‌باشد و زیر مقیاس (D) را می‌توان عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد.

مدت اجرای پرسشنامه کولینز و رید (RAAS) براساس زمینه‌یابی انجام شده، ۱۰ دقیقه در نظر گرفته شد. برای نمره‌گذاری، براساس دستورالعمل پرسشنامه، ۶ ماده مربوط به هر زیرمقیاس مشخص شده است. با توجه به اینکه در مورد هر جمله، آزمودنی علامت خود را روی کدام قسمت زده باشد، نمره وی مشخص می‌گردد. به این صورت که برای مربع‌های ۱ تا ۵ به ترتیب نمرات ۴-۰ در نظر گرفته شده است. مگر در مواردی که نمرات معکوس بایستی در نظر گرفته شوند (که در دستورالعمل نمره‌گذاری با علامت * مشخص شده‌اند) که در این صورت برای مربع‌های ۱-۵ به ترتیب ۴، ۳، ۲، ۱، ۰ درج می‌شود. بدین شیوه در زیر مقیاس (C) *۱۷، *۱۳، *۱۲، *۸، *۶، *۱، در زیرمقیاس (D) *۱۸، *۱۶، *۱۴، *۷، *۵، *۲ و زیرمقیاس (A) ۱۵، ۱۱، ۱۰، ۹، ۴، ۳ را با هم جمع می‌کنیم. مواردی که با ستاره مشخص شده، بایستی قبل از جمع کردن به صورت معکوس نمره‌گذاری شوند (کولینز، ۱۹۹۴ به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰).

پایایی

کولینز و رید (۱۹۹۰ به نقل از فینی و نولتر، ۱۹۹۶) نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن (C)، وابستگی (D) و اضطراب (A) در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی ۸ ماه پایدار ماندند. کولینز برای بررسی قابلیت اعتماد پرسشنامه، میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیرمقیاس آن، در دو نمونه ۱۷۳ و ۱۰۰ نفری از دانشجویان به ترتیب برای زیر مقیاس C، ۰/۸۱، ۰/۸۲، زیرمقیاس D، ۰/۷۸، ۰/۸۰ و زیرمقیاس A، ۰/۸۵، ۰/۸۳ گزارش کرده است (پاکدامن، ۱۳۸۰).

از سوی دیگر در ایران، پاکدامن (۱۳۸۰) با استفاده از آزمون - آزمون مجدد به صورت همبستگی بین این دو اجرا را مشخص کرد. نتایج حاصل از ۱۰۰ نفر دختر و پسر در دو بار اجرا به فاصله زمانی ۱ ماه بیانگر آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌های A و D و C در RAAS معنادار نبوده است و این آزمون در سطح معناداری

۰/۰۵ قابل اعتماد است. همچنین همبستگی بین نتایج دو اجرا نشان داد: A قابل اعتمادترین ($r=0/75$) بوده و C ($r=0/57$) و D ($r=0/478$) در مراتب پایین تری هستند. از سوی دیگر با محاسبه آلفای کرونباخ مشخص گردید که زیرمقیاس اضطراب (A) بیشترین قابلیت اعتماد ۰/۷۴۹ و وابستگی، کمترین قابلیت اعتماد ۰/۲۸۵ و زیرمقیاس نزدیک بودن (C) ۰/۵۲۱ است.

همچنین در این پژوهش با استفاده از آزمون - آزمون مجدد به صورت همبستگی بین این دو اجرا، پایایی این پرسشنامه بررسی شد. نتایج از ۶۵ نفر دختر و پسر در دو بار اجرای به فاصله زمانی ۲ ماه بیانگر آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس های A و D و C در RAAS معنادار نبوده است و این آزمون در سطح معناداری ۰/۰۵ قابل اعتماد است. همچنین ضریب همبستگی بین نتایج دو اجرا برای A ($r=0/77$)، C ($r=0/538$) و D ($r=0/408$) است. همچنین در این پژوهش آلفای کرونباخ محاسبه گردید که زیرمقیاس اضطراب (A) بیشترین قابلیت اعتماد ۰/۷۰۹ و وابستگی، کمترین قابلیت اعتماد ۰/۳۳۵ و زیرمقیاس نزدیک بودن (C) ۰/۵۰ است.

روایی

پاکدامن (۱۳۸۰) روایی سازه برای این پرسشنامه را بررسی کرده است. روایی سازه با استفاده از روایی واگرا (تشخیصی) سنجیده شد. نتایج نشان داد ضریب همبستگی بین زیرمقیاس های A و C، A و D در سطح معناداری ۰/۰۰۱ به ترتیب ۰/۳۱۳، -۰/۳۳۶ - می باشد و ضریب همبستگی بین زیرمقیاس های C و D در سطح معناداری ۰/۰۱۴ مقدار ۰/۲۴۶ به دست آمد.

پرسشنامه دوستی - عدم دوستی (ریسمن و بیلینگهام^(۱)، ۱۹۸۹)

این پرسشنامه برای اندازه گیری دوستی (شامل سازه های خودپنداره^(۲))، دسترسی پذیری^(۳)، پاداش دهی^(۴) و بیگانگی^(۵) ساخته شده است و به نوعی

1. Reisman & Billingham
3. availability
5. alienation

2. self-concept
4. rewardingness

دوستی‌های واقعی شخص را می‌سنجد. سؤالات آن از مجموعه ۴۰ سؤالی انتخاب شده است که گروه‌های سطح بالای SACRAL* با گروه‌های سطح پایین SACRAL را به خوبی متمایز می‌سازد. این پرسشنامه، که فرم کوتاه نسخه ۴۰ سؤالی است، ۲۰ سؤال دارد، با نسخه مذکور همبستگی ۰/۹۴ دارد و دارای چهار خرده‌مقیاس به شرح زیر است: خودپنداره (سؤال‌های ۹، ۱۷، ۱۳، ۵)؛ دسترسی‌پذیری (سؤال‌های ۱۸، ۱۴، ۲، ۶، ۱۰)؛ پاداش‌دهی (سؤال‌های ۱۹، ۱۵، ۱۱، ۷، ۳)؛ و بیگانگی (سؤال‌های ۲۰، ۱۶، ۱۲، ۸، ۴). نمره کلی مقیاس از مجموع چهار خرده‌مقیاس S، AC، R، AL به دست می‌آید. سؤالات ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ به طور مثبت نمره‌گذاری می‌شوند. به پاسخ‌های (۰) یا (۱) نمره (۰) تعلق می‌گیرد. بقیه سؤالات به طور معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. در این مورد نیز به پاسخ‌های (۳) یا (۴)، نمره (۰) منظور خواهد شد.

پایایی

ریسمن و ویلینگهام نشان دادند که نمره کلی دوستی و تقریباً خرده‌مقیاس‌های آن در فاصله ۲ ماه پایدار ماندند. آنها همچنین برای پایایی این پرسشنامه مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸۱ را به دست آوردند. از سوی دیگر در این پژوهش پایایی با استفاده از آزمون - آزمون مجدد به صورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص شد. نتایج از ۸۵ نفر دختر و پسر در دو بار اجرای به فاصله زمانی ۱ ماه بیانگر آن بود که تفاوت بین دو اجرای آن معنادار نیست و این آزمون در سطح معناداری ۰/۰۵ قابل اعتماد است (همبستگی بین دو بار اجرای ۰/۶۹ = r می‌باشد). همچنین مقدار آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد.

روایی

در این پژوهش، روایی سازه با استفاده از روایی واگرا سنجیده شد. بدین منظور همبستگی، بین زیرمقیاس‌ها با یکدیگر در یک نمونه ۸۵ نفری، محاسبه گردید. نتایج حاکی است ضریب همبستگی بین خرده‌مقیاس S با خرده‌مقیاس‌های AC، R، AL در سطح معناداری ۰/۰۰۱ به ترتیب ۰/۴۲۳، ۰/۴۲۸، ۰/۵۶۰- و ضریب همبستگی بین خرده‌مقیاس AL با خرده‌مقیاس‌های AC، R در سطح معناداری ۰/۰۰۱ به ترتیب ۰/۴۰۶،

* SACRAL علامت اختصاری پرسشنامه برگرفته از حروف اول زیرمقیاس‌ها

۰/۴۶۱- می باشد. تنها بین AC و R ، همبستگی مثبت است، که مقدار آن هم بسیار کم است و این نشان دهنده آن است که خرده مقیاس ها چهار مفهوم مختلف را می سنجد.

یافته های پژوهش

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای سبک دلبستگی (اضطراب، وابستگی و نزدیک بودن) و کیفیت دوستی (خودپنداره، در دسترس بودن، پاداش دهی، بیگانگی)

گروه	انحصارها	اضطراب	وابستگی	زودیک بودن	خودپنداره	دسترس پذیری	پاداش دهی	بیگانگی	کیفیت دوستی
دختر	m	۱۳/۶۲	۱۰/۰۴	۱۶/۲۵	۹/۱۴	۱۰/۹۲	۱۲/۹۸	۷/۴۱	۴۰/۴۴
	n	۹۷	۹۷	۹۷	۹۷	۹۷	۹۷	۹۷	۹۷
	SD	۴/۱۶	۳/۴۸	۳/۳۲	۴/۱۶	۳/۸۶	۳/۳۸	۴/۶۵	۹/۱۶
پسر	m	۱۲/۸۰	۱۰/۰۶	۱۶/۹۸	۱۰/۶۷	۱۱/۳۳	۱۳/۲۶	۹/۶۲	۴۵/۳۲
	n	۱۰۳	۱۰۳	۱۰۳	۱۰۳	۱۰۳	۱۰۳	۱۰۳	۱۰۳
	SD	۴/۱۸	۳/۹۶	۳/۶۹	۴/۹۲	۳/۹	۴/۷۱	۴/۱۸	۱۲/۰۰۴
کل	m	۱۲/۸۲	۱۰/۵۱	۱۶/۶۳	۹/۹۳	۱۱/۱۳	۱۳/۱۲	۸/۵۵	۴۲/۹۵
	n	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
	SD	۴/۷۶	۳/۷۳	۳/۵۲	۴/۶۲	۳/۸۷	۴/۱۱	۴/۵۴	۱۱/۱۵

همچنان که جدول ۱ نشان می دهد در متغیرهای سبک دلبستگی میانگین؛ متغیر اضطراب (سبک دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا) در دختران بیشتر از پسران می باشد، در حالی که از لحاظ پراکندگی تقریباً یکسانند. در متغیر وابستگی میانگین پسران بیشتر از دختران است و این در حالی است که پراکندگی نمرات آنها بیشتر از دختران است. در متغیر نزدیک بودن (سبک دلبستگی ایمن) میانگین و انحراف استاندارد پسران نسبت به دختران بیشتر می باشد. در متغیرهای کیفیت دوستی؛ در خودپنداره، میانگین و انحراف استاندارد پسران نسبت به دختران بیشتر است. در متغیر دسترس پذیری، میانگین پسران نسبت به دختران بیشتر است در حالی که از لحاظ پراکندگی تقریباً یکسان هستند. در متغیر پاداش دهی، میانگین و انحراف استاندارد پسران در مقایسه با دختران بیشتر است و نهایتاً در متغیر بیگانگی میانگین پسران از دختران بیشتر است در حالی که پراکندگی در نمرات دختران بیشتر از پسران است.

فرضیه اول: بین سبک های دلبستگی با کیفیت دوستی ارتباط وجود دارد.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بین خرده‌مقیاس اضطراب با کیفیت دوستی ضریب همبستگی محاسبه شده ($r_m = 0/275$) با درجه آزادی ($df = 198$) در سطح ($P < 0/01$) از همبستگی جدول ($r_c = 0/138$) بیشتر می‌باشد. در نتیجه ضریب همبستگی بین این دو متغیر از لحاظ آماری معنادار می‌باشد و چون رابطه منفی است، لذا با افزایش نمرات در خرده‌مقیاس اضطراب، کیفیت دوستی پایین می‌آید و برعکس. همچنین بین خرده‌مقیاس نزدیک بودن با کیفیت دوستی، همبستگی محاسبه شده ($r_m = 0/301$) با درجه آزادی ($df = 198$) در سطح ($P < 0/01$) از ضریب همبستگی جدول ($r_c = 0/138$) بیشتر می‌باشد. در نتیجه رابطه میان این دو متغیر از لحاظ آماری معنادار است و به سبب رابطه مثبت میان آنها، می‌توان گفت هر چقدر نمرات فرد در خرده‌مقیاس نزدیکی بالا رود احتمالاً نمرات او در کیفیت دوستی نیز بالا می‌رود و با توجه به دوقطبی بودن این مقیاس با پایین آمدن نمرات - که گواه سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی است - نمرات فرد در کیفیت دوستی نیز پایین می‌آید و بالعکس. بین متغیر وابستگی با کیفیت دوستی رابطه معناداری وجود ندارد، گرچه این رابطه مثبت است.

جدول ۲- مقادیر ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای سبک دلبستگی با کیفیت دوستی

کیفیت دوستی		
	r	sig
اضطراب	-0/275	**0/000
وابستگی	0/085	0/233
نزدیک بودن	0/301	**0/000

** $P < 0/01$

فرضیه فرعی اول: بین سبک‌های دلبستگی و کیفیت دوستی در نوجوانان پسر و دختر ارتباط وجود دارد. براساس نتایج جدول ۳ بین نزدیک بودن و کیفیت دوستی پسران در سطح ($P < 0/01$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، زیرا r محاسبه شده ($r_m = 0/261$) در سطح ($P < 0/01$) با درجه آزادی ۱۰۱ از r جدول ($r_b = 0/254$) بیشتر می‌باشد، در نتیجه، فرضیه صفر رد می‌شود و بین سبک دلبستگی ایمن با کیفیت دوستی در نوجوانان پسر رابطه آماری معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه جهت رابطه مثبت می‌باشد، لذا احتمالاً با افزایش نمرات نزدیک بودن، نمرات کیفیت دوستی نیز افزایش پیدا می‌کند و برعکس.

با توجه به اینکه ضریب همبستگی محاسبه شده ($r_m = 0/326$) دختران نیز در سطح ($P < 0/01$) با درجه آزادی ($df = 0/01$) از بحرانی جدول ($r_c = 0/260$) بیشتر می باشد، رابطه معناداری وجود دارد، در نتیجه فرضیه صفر به نفع فرضیه پژوهش رد می شود. به عبارتی، بین سبک دلبستگی ایمن با کیفیت دوستی در نوجوانان دختر ارتباط وجود دارد و چون رابطه مثبت می باشد، از این رو ممکن است فردی با دلبستگی ایمن تر دارای روابط دوستانه بهتری باشد.

همچنین نتایج حاکی است که بین اضطراب و کیفیت دوستی پسران همبستگی محاسبه شده ($r_m = 0/239$) در سطح ($P < 0/05$) با درجه آزادی ($df = 101$) از ضریب همبستگی جدول ($r_c = 0/195$) بیشتر می باشد. در نتیجه بین این دو متغیر در سطح آماری ($P < 0/05$) رابطه آماری معناداری وجود دارد، این رابطه منفی می باشد. به عبارتی، با احتمال $0/05$ خطا، افزایش نمرات در خرده مقیاس اضطراب، کاهش نمرات کیفیت دوستی را در پی خواهد داشت و برعکس. همچنین ضریب همبستگی مشاهده شده بین این دو متغیر در دختران ($r_m = -0/269$) در سطح ($P < 0/01$) با درجه آزادی ($df = 95$) از بحرانی جدول ($r_c = 0/260$) بیشتر می باشد، بنابراین رابطه آماری معناداری وجود دارد و فرضیه صفر رد می شود، یعنی بین سبک دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا با کیفیت دوستی در نوجوانان دختر رابطه مثبت وجود دارد. اما بین وابستگی و کیفیت دوستی در دختران و پسران به لحاظ آماری در سطوح ($P < 0/01$ ، $0/05$) رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۳- ضریب همبستگی پیرسون بین سبک های دلبستگی و کیفیت دوستی به تفکیک جنس

نعداد	سطح معناداری	همبستگی	کیفیت دوستی	سبک های دلبستگی
۹۷	$0/01$	$0/326$	دختر	نزدیک بودن
۱۰۳	$0/01$	$0/261$	پسر	
۹۷	$0/578$	$0/057$	دختر	وابستگی
۱۰۳	$0/329$	$0/097$	پسر	
۹۷	$0/01$	$-0/269$	دختر	اضطراب
۱۰۳	$0/15$	$-0/239$	پسر	

*** $P < 0/01$ ، ** $P < 0/05$

فرضیه دوم: نوع سبک دل‌بستگی در پسران و دختران با هم متفاوت است. به‌منظور مقایسه میانگین دختران و پسران در خرده‌مقیاس‌های دل‌بستگی از تحلیل واریانس دو عاملی استفاده شد. همچنان‌که جدول ۴ نشان می‌دهد مقدار F مشاهده شده مربوط به اثر متقابل بین این دو متغیر ($F_m = 4/36$) با درجه آزادی (۵۹۴، ۲) در سطح ($P < 0/05$) از F جدول ($F_{0.05} = 3$) بیشتر می‌باشد. یعنی اثر متقابل جنسیت و سبک‌های دل‌بستگی متفاوت از اثر جداگانه هر کدام از این متغیرهاست. با وجود معنادار شدن اثر متقابل بین دو متغیر، این اثر نامنظم می‌باشد؛ به‌دلیل اینکه اثر اصلی عامل جنسیت به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. همچنین جدول نشان می‌دهد مقدار F مشاهده شده مربوط به اثر اصلی تفاوت میانگین سبک‌های دل‌بستگی ($F_m = 117/36$) با درجه آزادی (۵۹۴، ۲) در سطح ($P < 0/01$) از F جدول ($F_{0.01} = 3$) بیشتر می‌باشد، در نتیجه معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر میانگین‌های سه سبک دل‌بستگی از لحاظ آماری با هم متفاوت می‌باشد. اثر اصلی جنسیت در سطح ($P < 0/05$) از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. یعنی در نوع سبک دل‌بستگی دختران و پسران تفاوت چندانی وجود ندارد.

جدول ۴- مقایسه میانگین دختران و پسران در خرده‌مقیاس‌های دل‌بستگی

منبع تغییرات					
جنسیت	۶/۱۵۲	۱	۶/۱۵	۰/۳۸	۰/۵۳۸
سبک‌ها	۳۷۹۹/۴۲۵	۲	۱۸۹۹/۷۱۳	۱۱۷/۳۶	**۰/۰۰۰
اثر متقابل	۱۴۱/۳۰۵	۲	۷۰/۶۵۳	۴/۳۶۴	*۰/۰۱۳
خطا	۹۶۱۶/۲۸۷	۵۹۴	۱۶/۱۸۹		
کل	۱۲۰۰۰۹	۶۰۰			

$F_{0.05} < P < 0/01$ ، ** $P < 0/001$ و $df = (594, 2)$

فرضیه فرعی دوم: میانگین هریک از سبک‌های دل‌بستگی در افراد متفاوت است. با توجه به جدول ۵ آزمون تعقیبی شفه نشان داد بین هر سه خرده‌مقیاس دوه به دو از لحاظ آماری تفاوت وجود دارد. نتایج حاکی است، تفاوت میانگین متغیرهای اضطراب و نزدیک بودن در سطح ($P < 0/01$) از لحاظ آماری معنادار می‌باشد و این تفاوت به نفع متغیر نزدیک بودن می‌باشد. همچنین تفاوت میانگین متغیرهای اضطراب و وابستگی در سطح ($P < 0/01$) از لحاظ آماری معنادار می‌باشد و این تفاوت به نفع متغیر اضطراب است. به‌طور کلی می‌توان گفت که در میان افراد نمونه، سبک دل‌بستگی ایمن دارای بیشترین میانگین، بعد از آن سبک دل‌بستگی اضطرابی و سبک اجتنابی در آخر قرار می‌گیرد.

جدول ۵- آزمون معناداری شفه

	نزدیک بودن		وابستگی	
	$X_1 - X_2$	sig	$X_1 - X_2$	sig
اضطراب	۳/۸	**۰/۰۰۰	۲/۳۲	**۰/۰۰۰
وابستگی	۶/۱۲	**۰/۰۰۰		

فرضیه سوم: کیفیت دوستی در دختران و پسران با هم فرق دارد. به منظور مقایسه میانگین کیفیت دوستی دختران و پسران آزمون آگروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که محاسبه شده ($t = 3/16$) با درجه آزادی ۱۹۸ در سطح ($P < 0/01$) از جدول ۱ ($t = 2/32$) بیشتر می‌باشد. در نتیجه به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. یعنی کیفیت دوستی دختران و پسران با هم تفاوت دارد و این تفاوت به نفع پسران می‌باشد.

جدول ۶- مقایسه میانگین کیفیت دوستی دختران و پسران

مغیر	گروه	M	SD	t	df	sig	n
کفیت	دختر	۴۰/۴۴	۹/۶	۳/۱۶	۱۹۸	۰/۰۰۲	۹۷
دوستی	پسر	۴۵/۳۲	۱۲/۰۰۴				۱۰۳

فرضیه چهارم: سبک‌های دلبستگی، کیفیت دوستی را پیش‌بینی می‌کنند. به منظور پیش‌بینی کیفیت دوستی از روی سبک‌های دلبستگی از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد. با توجه به جدول ۷ نتایج نشان می‌دهد، که در گام اول متغیر نزدیک بودن و در گام دوم متغیر اضطراب وارد معادله شده است. در گام اول $F = 19/708$ با درجه آزادی (۱۹۸، ۱) در سطح ($P < 0/01$) از جدول ($F = 6/762$) بیشتر می‌باشد، در نتیجه معنادار است. مقدار ضریب تبیین ($R^2 = 0/086$) نیز نشان می‌دهد که متغیر نزدیک بودن ۸/۶ درصد از واریانس کیفیت دوستی را تبیین می‌کند. در گام دوم متغیرهای نزدیک بودن و اضطراب وارد معادله شدند که نشان می‌دهد، F محاسبه شده ($F = 14/81$) با درجه آزادی (۲، ۱۹۷) در سطح ($P < 0/01$) از جدول ($F = 4/71$) بیشتر و معنادار می‌باشد. مقدار ضریب تبیین ($R^2 = 0/122$) نیز نشان می‌دهد که این دو متغیر با هم ۱۲/۲ درصد از واریانس کیفیت دوستی را تبیین می‌کنند. در نتیجه هنگام وارد کردن متغیر اضطراب مقدار واریانس ۴ درصد فزونی گرفت.

جدول ۷- نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی کیفیت دوستی

از روی سبک‌های دلبستگی

sig	ΔR^2	R^2	F	MS	df	SS	منبع تغییرات
**./0.000	-	0.086	19/708	2167/799	1	2167/799	نزدیک بودن
				109/996	198	21779/156	باقی‌مانده
					199	23946/955	کل
**./0.000	0.040	0.122	14/818	1565/687	2	3131/274	نزدیک بودن واضطراب
				105/663	197	20815/581	باقی‌مانده
					199	23946/955	کل

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی با کیفیت دوستی رابطه وجود دارد. این نتیجه در راستای پژوهش‌های یانگیلد و بلسکی (۱۹۹۹)، دوروتی و همکاران (۲۰۰۱)، پیرمن و همکاران (۱۹۹۹) است. نتایج حاکی است بین سبک دلبستگی ایمن با کیفیت دوستی رابطه مثبت وجود دارد، بدین معنی که افرادی که تجلیات سبک‌های دلبستگی ایمن را از خود نشان داده، کیفیت دوستی مثبت‌تری داشتند و مفاهیم دوستی از جمله دسترسی‌پذیری، پاداش‌دهی و عدم انزوا را در دوستی‌هایشان از خود نشان داده‌اند. پژوهش‌های قبلی از جمله (شالمن، ۱۹۹۵) به نقل از زیمرمن، ۲۰۰۴؛ کرنس، کلیپاک و کول، ۱۹۹۶؛ لیبرمن و مارکیویکز، ۱۹۹۹؛ زیمرمن، ۲۰۰۴؛ باربارا و همکاران، ۲۰۰۴) نیز ارتباط مثبت میان بسامد تعاملات دوستی و صمیمیت در روابط با دلبستگی ایمن را گزارش کرده‌اند.

یافته‌های این پژوهش بیانگر ارتباط منفی میان سبک‌های دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا با کیفیت دوستی است. به عبارت دیگر، افرادی که دارای سبک دلبستگی دوسوگرا بودند، غالباً خودپنداره ضعیف، عدم دسترسی و پاداش‌دهی به دوستان خود و به سر بردن در انزوا را گزارش کرده‌اند. فیینی و نولر (۱۹۹۰) در همین راستا بیان می‌دارند افراد دارای دلبستگی دوسوگرا سطوح پایین‌تر صمیمیت توأم با خرسندی کم در روابط خود را نشان داده‌اند. همچنین یافته‌های این پژوهش با نتایج حاصل از پژوهش باربارا و همکاران (۲۰۰۴) هم‌خوانی دارد. این درحالی است که یافته‌های پژوهش

زیمرمن (۲۰۰۴) بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا و کیفیت دوستی ارتباط معناداری نشان ندادند، گرچه زیمرمن اعلام می‌دارد که افراد با دل‌بستگی دوسوگرا، در کنترل خشم خود در روابط صمیمانه مشکل داشتند.

ایزالاوسکی (۱۹۹۱ به نقل از شریفی، ۱۳۷۸) بیان می‌دارد افراد دارای سبک دل‌بستگی اجتنابی به دیگران اعتماد نمی‌کنند و همیشه یک نوع فاصله هیجانی را با دیگران حفظ می‌کنند و اغلب تنها و متخاصم هستند. یافته‌های این پژوهش در همین راستا نشان دادند که رابطه بین سبک دل‌بستگی اجتنابی با کیفیت دوستی افراد نوجوان منفی است. بدین معنا هرچه قدر افراد عدم آسایش در رابطه همراه با طردکنندگی و بریدگی هیجانی را در دل‌بستگی خود متجلی می‌ساختند، روابط آنها گسسته‌تر و ناپایدار بوده است. ارتباط به دست آمده میان سبک دل‌بستگی اجتنابی با کیفیت دوستی در پژوهش حاضر، پژوهش‌های قبلی از جمله پژوهش مین و همکاران (۱۹۸۵ به نقل از گلی نژاد، ۱۳۸۰)، فینی و نوللر (۱۹۹۰)، داچرم و همکاران (۲۰۰۲)، باربارا و همکاران (۲۰۰۴)، زیمرمن (۲۰۰۴) را تأیید می‌کند.

یکی از سؤالات دیگر این پژوهش این بود که آیا سبک‌های دل‌بستگی افراد متأثر از جنس آنهاست؟ به عبارت دیگر آیا دختر یا پسر بودن در میانگین نوع سبک‌های دل‌بستگی افراد تأثیرگذار است؟ نتایج نشان می‌دهد که تفاوت میانگین‌های سبک‌های دل‌بستگی دختران و پسران از لحاظ آماری معنادار نیست، یعنی سبک‌های دل‌بستگی افراد جامعه مورد نظر احتمالاً از جنس آنها اثر نمی‌پذیرد. داچرم و همکاران (۲۰۰۲)، باربارا و همکاران (۲۰۰۴)، همسو با این مطالعه تفاوت معناداری در میانگین سبک‌های دل‌بستگی دو جنس گزارش نکرده‌اند. اما فینی و نوللر (۲۰۰۲) در دو مطالعه که به بررسی تعاملات نوجوانان با جنس مخالف پرداخته بودند، بیان کرده‌اند که سبک‌های دل‌بستگی و جنس هر دو روابط دوستانه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. البته در این بررسی‌ها دل‌بستگی فرد با جنس مخالف مد نظر بود. بیشتر پژوهش‌هایی که سبک‌های دل‌بستگی را مورد مطالعه قرار داده‌اند توجهی به تفاوت سبک‌ها در دو جنس نشان ندادند (فینی و نوللر، ۱۹۹۰؛ شالمن، ۱۹۹۵ به نقل از زیمرمن، ۲۰۰۴؛ یانگیلید و بلسکی، ۱۹۹۹؛ کرنس، کلیپاک و کول، ۱۹۹۶؛ لیبرمن و مارکیویکز، ۱۹۹۹؛ زیمرمن، ۲۰۰۴).

در این پژوهش تفاوت میانگین سبک‌های دلستگی به‌طور کلی (بدون توجه به جنس) مورد بررسی قرار گرفت که معناداری آن مورد تأیید قرار گرفت. آزمون تعقیبی، نوع تفاوت را بیشتر روشن ساخت. نتایج حاکی است به ترتیب بالاترین میانگین مربوط به سبک دلستگی ایمن می‌باشد که با دو سبک دلستگی ناایمن اضطرابی-دوسوگرا و ناایمن اجتنابی، تفاوت معناداری داشت و بعد از آن سبک دلستگی ناایمن اضطرابی قرار داشت که تفاوت معناداری با سبک دلستگی اجتنابی داشت. این نتایج با بسیاری از بررسی‌های فراتحلیلی همسو است. در یک بررسی فراتحلیلی انجام گرفته توسط ون ایجزندورن و بیکرمنس - کریبنبرگ (۱۹۹۶)^(۱) به نقل از دیوید و همکاران (۱۹۹۹) از میان ۲۰۰۰ مصاحبه انجام گرفته در ۳۳ مطالعه نسبت‌های زیر را در مورد دلستگی به دست آمد:

دلستگی به مادر: دلستگی ایمن ۵۵٪، دلستگی ناایمن دوسوگرا و حل نشده ۲۵٪، دلستگی اجتنابی یا طردکننده ۱۶٪. دلستگی به پدر: دلستگی ایمن ۵۷٪، دلستگی ناایمن دوسوگرا و حل نشده ۲۸٪، دلستگی اجتنابی یا طردکننده ۱۵٪. همچنین در یک بررسی فراتحلیلی دیگر ون ایجزندورن و همکاران (۱۹۹۱) به نقل از همان منبع از طبقه‌بندی موقعیت ناآشنای دلستگی کودک - مادر به نتایج زیر دست یافتند: دلستگی ایمن ۵۵٪، دلستگی ناایمن دوسوگرا و حل نشده ۲۳٪، دلستگی اجتنابی یا طردکننده ۲۳٪.

پژوهش حاضر نشان داد که بین دانش‌آموزان پسر و دختر دبیرستانی در کیفیت دوستی تفاوت معنادار وجود دارد و این تفاوت به نفع پسران است. نتایج نشان داد دختران در توصیف دوستی‌های خود نمرات پایین‌تری به خود داده بودند. در همین راستا حجازی و ظهره‌وند (۱۳۸۰) بیان می‌دارند دختران ایرانی مسائل شخصی خود را با دوستان خود کمتر در میان می‌گذارند. در مطالعه حاضر با توجه به این‌که نمونه از دانش‌آموزان کرمانشاهی انتخاب شده است، شاید بتوان گفت یکی از عوامل توجیه‌گر تفاوت کیفیت دوستی در پسران و دختران، ساختار خاص اجتماعی و فرهنگی کردهاست که به سبب هنجارها و ارزش‌های آیینی - عرفی حاکم، دختران در روابط برون‌خانوادگی اختیار کمتری داشته و یا لاقبل همسان با پسران نمی‌توانند اوقات بیشتری

را در بیرون از خانه با دوستان بگذرانند. اگرچه در مطالعاتی از جمله آریس و جانسون (۱۹۹۰)؛ ریس، سنچکو سولومون (۱۹۸۵) مشخص شد که در مفهوم دوستی و صمیمیت دو جنس شباهت وجود دارد و میزان تماس با دوستان صمیمی هم جنس در دختران و پسران تفاوت وجود ندارد (فهر، ۱۹۹۶). اما بیشتر تفسیرها در مورد تجارب دوستی، زنان را صمیمی تر از مردان تشخیص داده‌اند (بنک و هنسفورد^(۱)، ۲۰۰۰؛ فهر، ۱۹۹۶؛ فیسچر و نارس^(۲) ۱۹۸۱ به نقل از فهر، ۲۰۰۴).

در پژوهش حاضر پیش‌بینی کیفیت دوستی و روابط دوستانه از روی سبک‌های دلبستگی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاکی است: سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن اضطرابی دوسوگرا با هم کیفیت دوستی را پیش‌بینی می‌کنند. سبک‌های دلبستگی ایمن بیشترین واریانس مشترک با کیفیت دوستی را دارد بدین معنی که سبک دلبستگی ایمن واریانس معناداری از کیفیت دوستی را تبیین می‌کند. همچنین واترز و دیگران (۱۹۷۹) در پژوهشی اظهار داشته‌اند که کیفیت دلبستگی به مادر، پذیرش نوجوان را پیش همسالان خود پیش‌بینی می‌کند. نتایج مطالعه حاضر در این مورد همسو با پژوهشهای قبلی است (آلن و لند، ۱۹۹۹؛ لیبرمن و همکاران، ۱۹۹۹؛ یانگیلد و بلسکی، ۱۹۹۹؛ دوروتی و همکاران، ۲۰۰۱؛ میلر و هویکوتیز، ۲۰۰۴).

در تبیین نتایج این پژوهش می‌توان گفت باتوجه به این که تجارب نخستین مراقبت و کیفیت رابطه با چهره‌های اصلی دلبستگی سبب پدیدآیی الگوهای درون‌کاری خاصی در فرد می‌شود که راهنمای رفتارهای هیجانی و روابط صمیمی فرد در ارتباطات بعدی در فضای زندگی است. لذا افرادی که دارای چهره‌های دلبستگی حساس، پاسخگو و مهربان بوده و امنیت خاطر از پایگاه دلبستگی را تجربه کرده، سبک دلبستگی ایمن در آنها تحول یافته است و این امنیت در روابط دلبستگی با کیفیات مثبت دوستی رابطه مستقیم دارد. بدین معنی که در دوستی‌ها پاسخگوتر، حساس‌تر بوده و تصور مثبتی از خود در روابط داشته و تمایل دارند بیشتر اوقات فراغت خود را با دوستان بگذرانند. از طرف دیگر افرادی که دارای سبک دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا بوده، بیشتر دچار مشغولیت ذهنی در مورد روابط خود بوده و محتوای روان‌بنه‌های عاطفی آنها، اضطراب

1. Bank & Hansford

2. Fischer & Narus

جدایی، تردید در وفاداری طرف مقابل و نوعی درماندگی در ارتباط می‌باشند. این ویژگی‌های ارتباطی سبب کاهش کیفیت دوستی در آنها گشته است. بدین معنا که این افراد در دوستی‌ها پایدار نبوده و ترس از اختتام و جدایی، آنها را از روابط صمیمی باز می‌دارد.

همچنین شخصیت‌هایی که با دلبستگی اجتنابی توصیف می‌شوند، به دیگران گسسته‌تر و در پاسخگویی در روابط صمیمی حساسیت کمتری دارند. مطالعه حاضر تفاوت معناداری در سبک‌های دلبستگی دختران و پسران مشاهده نکرد، بدین معنی که جنس افراد توانسته است سبب تفاوت در نوع سبک‌های دلبستگی دختران و پسران گردد. بلکه تفاوت‌ها ناشی از تفاوت‌های فردی (رفتار چهره دلبستگی و شخصیت خاص فرد) می‌باشد.

در این مطالعه کیفیت دوستی در پسران بهتر از دختران بود. در توجیه تفاوت به دست آمده در این پژوهش شاید بتوان علاوه بر تفاوت‌های جنسی، شرایط فرهنگی-اجتماعی و هنجاری‌های حاکم بر فضای ارتباطی جامعه مورد پژوهش را نیز ذکر کرد که به نفع پسران می‌باشد. به طوری که پسران در فعالیت‌های بیرون از خانه و سپری کردن اوقات فراغت با دوستان در بیرون آزادتر و راحت‌تر از دختران هستند.

پیشنهادها

۱- باتوجه به اینکه نتایج این پژوهش مؤید رابطه سبک‌های دلبستگی با کیفیت دوستی است. لذا در یک نگاه فرایندی برای بهبود رابطه مادر-کودک و به تبع آن مجهز نمودن فرد به مهارت‌های ارتباطی و سبک‌های متعادل و سالم روابط که در الگوهای درون‌کاری متجلی است، پیشنهاد می‌شود کلاس‌های آموزش شیوه‌های ارتباط با کودک و روان‌شناسی تحول کودک برای دختران و پسران در سنین نوجوانی و جوانی قبل از ازدواج گذاشته شود.

۲- براساس یافته‌های این پژوهش باید توجه نمود که آموزش مهارت‌های ارتباطی و دوست‌یابی برای نوجوانان دختر و پسر الزامی است. که دایر نمودن کارگاه‌های آموزشی و جلسات راهنمایی و مشاوره گروهی در مورد مهارت‌های دوست‌یابی را می‌توان پیشنهاد نمود.

۳- پیشنهاد می‌شود که سنجش سبک‌های دلبستگی و کیفیت دوستی با استفاده از مصاحبه با نوجوانان برای بررسی دقیق‌تر، انجام پذیرد. بدون تردید این امر به غنای محتوای یافته‌ها کمک خواهد کرد.

۴- در زمینه تدارک پایگاه امن در عرصه درمانگری به‌رغم بیشتر رویکردهای روان‌درمانی و مشاوره، آهنگ اقدامات و فنون درمانی به‌همان‌اندازه که به نتیجه متکی هستند به محتوای آنها وابسته‌اند. براساس نظر آینسورث، پاسخ‌دهی چهره دلبستگی، تعیین‌کننده قاطع وضع دلبستگی فرد است امکان وجود حساسیت مشابه در فرایند درمانگری مؤثر می‌باشد. در واقع یکی از مشخصه‌های درمانگری خوب در فرایند درمان، دریافتن نشانه‌های عاطفی ناهشیار یا تلویحی است. از طرف دیگر در چارچوب این نظریه و پژوهش، رفتار غیرکلامی درمانگر و الگوی تعامل او در ایجاد جو حساسی که انتقال بیمار را از وضعیت ناامن به دلبستگی امین امکان‌پذیر می‌سازد، سهیم است.

۵- پیشنهاد می‌شود مشاوران و خانواده درمانگران در مواجهه با مراجعان دارای مشکلات ارتباطی و سازگاری ضمن اینکه به‌عنوان پایگاهی ایمن برای مراجعان خود عمل می‌کنند به پیشینه روابط دوره تحول و شبکه ارتباطی کنونی مراجعان با والدین و دوستان خود توجه نموده و فرد را در فضای روابط دلبستگی‌اش مطالعه کنند. در این فعالیت درمانی استفاده از مصاحبه سنجش دلبستگی و گاه پرسشنامه‌ها دلبستگی خالی از لطف نخواهد بود.

منابع

پاکدامن، ش. (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانان. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی، دانشگاه تهران.

پروین، ل. ای و جان، ا. پی. (۱۳۸۱). شخصیت (نظریه و پژوهش). ترجمه جوادی، م. ج. و کدیور، پ. انتشارات آبیژ.

حجازی، ا. (۱۳۷۸). جزوه آموزشی درس روان‌شناسی تحول نوجوان (منتشر نشده)، دانشگاه تهران.
حجازی، ا. و ظهره‌وند، ر. (۱۳۸۰). بررسی ملاک‌ها و کیفیت دوستی در کودکان و نوجوانان، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال سی‌ویکم (دوره جدید، سال ششم) شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۰.

- Allen, J.P. & Land, D.(1999). *Attachment in adolescence*, In J.Cassidy & P.R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp. 319-332). New York: Guilford.
- Ainsworth. M.D.S.; Bleher, M.C.; Waters & Wall, S. (1978). *Attenu of attachment: A psychological study of the strange situation*. Hill Sdale, Ny: Erlbaum.
- Ainsworth, M.D.S. (1967). *Some considerations regarding theory and assessment relevant to attachments*: Johns Hopkins University Press.
- Ainsworth, M.D.S. (1993). The development of infant and mother attachment. In M.T. Greenberg.; D. Cicchetti. & C.M. Cummings (Eds.), *Attachment in the preschool years* (pp. 1-39). Chicago: University of Chicago Press.
- Barbara. & Horvitz, L. (2004). Adolescents' intractions with a best friend: Association with attachment style. *Journal of Exprimental Child Psychology*, 88, 102-120.
- Bartholomew, K. & Horowitz, L. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 226-244.
- Berscheid, E. & Peplau, L.A. (1983). The emerging science of relationships. In H.H. Kelley, et al (Eds), *Close Relationships* (pp. 1-19). New York: W.H. Freeman.
- Black, K.A. & Mc Cartney, K. (1997). Adolescent females-security with parents predicts the quality ofpeer interactions. *Journal of Social Development*, 6, 91-110.
- Bowlby, J. (1967). *Maternal Care and Mental health*. Schocken Books, New York.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss*, 1. New York: Basic Book.
- Cassidy, Y. & Shaver, P.R. (1999). Theory. research, and clinical application of counseling psychology, *Handbook of attachment*, 39, 193-202.
- Colin, V.L. (1996). *Human attachment*. New York, McGraw-Hill.
- Collins, N.L. & Read, S.J. (1990). Adult attachment; Working models an relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(4), 644-663.
- Crowelly, J.A.; Fraley, R.S. & Shaver, P.R. (1999). Measurement of attachment. In J. Cassidy.; P. Shaver *Handbook of attachment*, New York: Guilford Press.

- Cooper, M.; Shaver, R. & Coling. (1998). Attachment styles emotion regulation and adjustment in adolescence. *Journal of Personality and Social Personality*, 74-78.
- Ducharme, J.; Doyle, A.B. & Markiewicz, D. (2002). Attachment security with mother and father: Associations with adolescents-reports of interpersonal behavior with parents and peers. *Journal of Social and Personal Relationships*, 19, 203-231.
- Duggan, E.S. & Brennan, K.A. (1994). Social avoidance and its relation to Bartholomew's adult attachment typology. *Journal of Social and Personal Relationships*, 11(1), 147-153.
- Feeney, T.A. & Noller, P. (1999). Adolescents' interactions with the opposite sex: Influence of attachment style and gender. *Journal of Adolescence*, 16, 2, 169-186.
- Feeney, T.A. & Noller, P. (1990). Attachment styles as a predictor of adult romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(2), 281-291.
- Fehr, B. (1996). *Friendship processes*. Sage Publications, Inc.
- Fehr, B. (2004). Intimacy expectations in same-sex friendship: A prototype interaction-pattern model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86,(2), 265-286.
- Fuller, D.O. & Gonzalez, A.S. (1989). The function of self-disclosure in social interaction. *Journal of Social Behavior and Personality*, 4, 563-580.
- Furman, W.; Simon, V.A.; Sha. er, L. & Bouchey, H.A. (2002). Adolescents-working models and styles for relationships with parents, friends, and romantic partners. *Journal of Child Development*, 73, 241-255.
- Granot, D. & Mayseless, O. (2001). Attachment security and adjustment to school in middle childhood. *International Journal of Behavioral Development*, 25, 530-541.
- Hazan, C. & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Kenny, M.F. et al. (1998). Instrumental and social/reational correlates of perceived maternal and paternal attachment in adolescence. *Journal of Adolescence*, 24, 203-219.

- Lieberman, M.; Doyle, A. & Markiewicz, D. (1999). Developmental patterns in security of attachment to mother and father in late childhood and early adolescence: Associations with peer relations. *Child Development, 70*, 202-213.
- Mc Nelles, L.R. & Connolly, J.A. (2000). Intimacy between adolescent friends: Age and gender differences in intimate affect and intimate behaviors. *Journal of Research on Adolescence, 9*, 143-159.
- Sprinthall, N.A. & Collins, W.A. (1995). *Adolescent psychology attachment developmental view*. Third Edition, McGraw-Hill, Inc.
- Shaffer, D.R. (2000). *Social and personality development*. Fourth edition, Wads worth.
- Tidwell, C.M.; Harry, T. (1996). Attachment, attractiveness and social interaction: A diary, study. *Journal of Personality and Social Psychology, 71*, 429-745.
- Waters, E. & Park, K.A. (1989). Security of attachment and preschool friendships. *Child Development, 60*, 1063-1081.
- Wilkinson, R. B. & Walford, W.A. (2001). Attachment and personality in the psychological health of adolescents. *Journal of Personality and Individual Differences, 31*, 437-484.
- Youngbled, L.M. & Belsky, J. (1999). Parent-child antecedents of 5-year-old' close friendship: A Longitudinal analysis: *Developmental Psychology, 28(4)*, 700-713.
- Zimmermann, P. (2004). Attachment representations and friendship reations during adolescence. *Journal of Exprimental Child Psychology, 88*, 83-101.